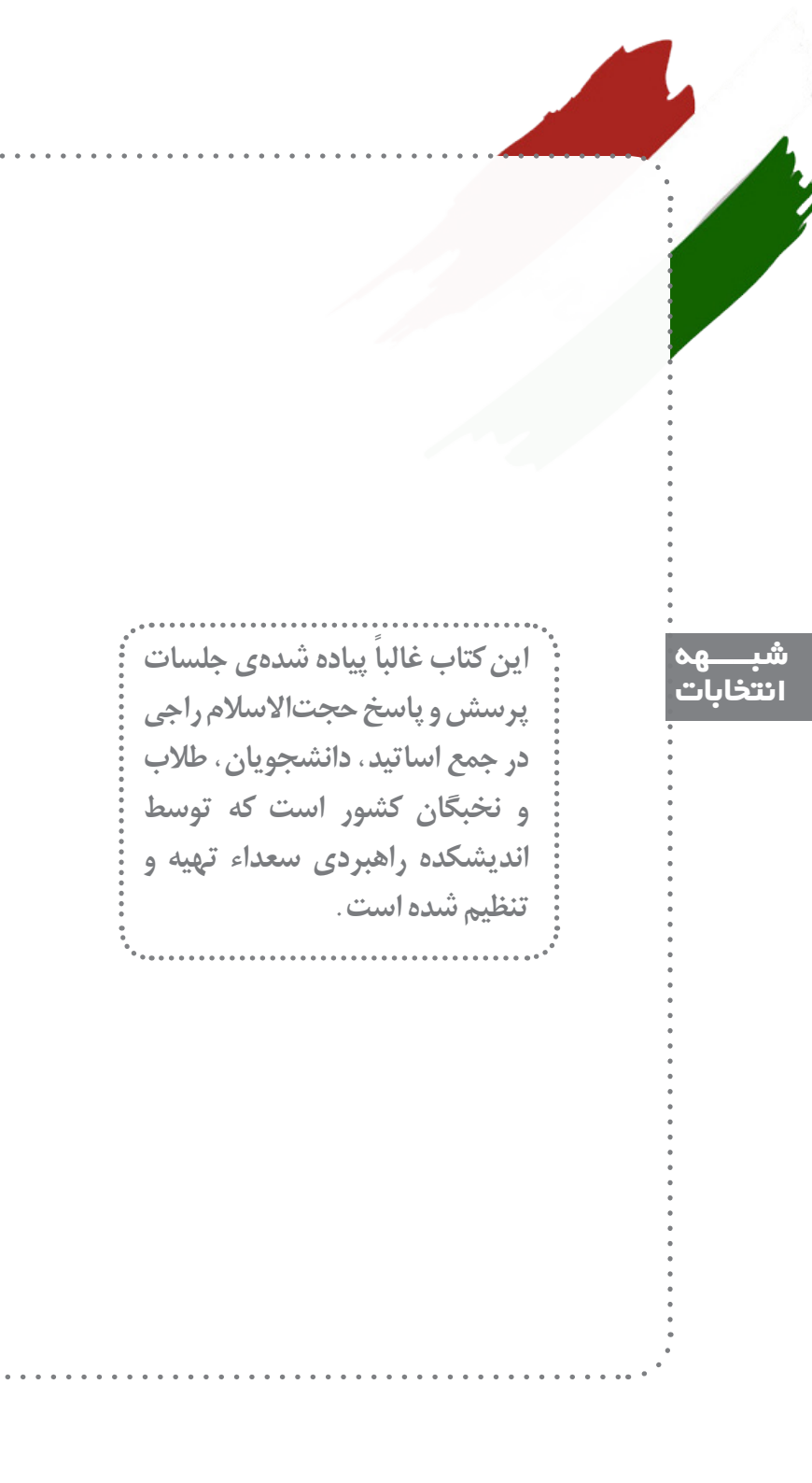


شبهه انتخابات







شبهه انتخابات

این کتاب غالباً پیاده شده‌ی جلسات پرسش و پاسخ حجت‌الاسلام راجی در جمع اساتید، دانشجویان، طلاب و نخبگان کشور است که توسط اندیشکده راهبردی سعداً تهیه و تنظیم شده است.



فهرست

عنوان صفحه

- چرا رأی بدهیم؟ با این وضع مملکت چرا رأی بدهیم؟ ۹
- به خاطر اعتراض به وضع موجود رأی نمی دهیم تا حکومت تنبیه شود. ۱۳
- رأی نمی دهیم چون با رأی دادن هیچ تغییری ایجاد نمی شود! ۱۵
- چرا اصلاً رأی بدهیم وقتی نظام خودش انتخاب می کند؟ ... ۱۶
- در طول این ۴۰ سال همه چیز نابود شده است اگر قرار بود با رأی دادن چیزی درست و اصلاح شود در این چهل سال وقتی مشارکت بالا بود اصلاح شده بود. ۱۹
- رأی دادن چه تأثیری در سرنوشت من رأی اولی دارد؟ در آینده من چه تأثیری دارد؟ ۲۲
- باتوجه به اینکه دانش آموزان نسبت به گذشته از هوش سیاسی بالاتری برخوردار هستند چرا سن رأی هنوز ۱۸ سال است؟ ۲۳

حضور مردم در انتخابات و رای دادن به یک کاندید چه تأثیری می تواند در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور داشته باشد؟ ... ۲۴

چه تضمینی وجود دارد که با انتخاب رئیس جمهور بعدی وضعیت از این بدتر نشود؟ ۲۶

باتوجه به اوضاع کرونایی کشور چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟ ۲۷

چرا نظام، خود را به رفراندوم نمی گذارد؟ ۲۸

وظایف و اختیارات رئیس جمهور چیست؟ رهبری همه کاره است! ۲۹

چرا رهبری در حل و فصل مشکلات کشور ورود پیدا نمی کنند و رئیس جمهور را عزل نمی کند؟ ۳۵

مگر وظیفه مجلس خبرگان این نیست که بر عملکرد رهبری نظارت کنند؟ پس چرا هیچ کاری نمی کنند؟ ۳۷

ریشه مشکلات چه چیزی است؟ چرا اینقدر مشکلات در کشور داریم؟ در تمام دوران های ۴۰ سال این مشکلات بوده ۳۹

آیا رئیس جمهور آینده می تواند بدون اتکا به غرب اقتصاد را رونق دهد؟ ۴۰

ملاک های فرد اصلح؟ ۴۲

چرا شورای نگهبان در کشور وجود دارد؟ چرا اجازه داده نمی شود مردم مانند سایر کشورها هرکس را می خواهند انتخاب کنند؟ ۴۳

آیا ممکن است شورای نگهبان بخاطر مشارکت حداکثری در تأیید صلاحیت با اغماض رفتار کند؟ ۴۵

چرا اعضای شورای نگهبان عمدتاً دچار کهولت سن و پیری هستند؟ ۴۶

چرا تخلفات برخی کاندیداها رسانه‌ای نمی‌شود تا مردم این‌ها را بشناسند؟ ۴۷

چرا اجازه ثبت نام به همه افراد با ظواهر مختلف و بعضاً خنده‌دار که باعث از بین بردن آبروی نظام است داده می‌شود؟ ۴۸

موارد و دلایل رد صلاحیت کاندیداها را چه کسانی مشخص می‌کنند و آن موارد چیست؟ ۴۹

چرا در ایران بر خلاف کشورهای غربی آزادی بیان وجود ندارد؟ ۵۰

چرا در ایران برخلاف کشورهای غربی، اقلیت‌های دینی آزادی ندارند؟ ۵۳

چرا بین محاکمه رئیس‌جمهور و مردم، تبعیض وجود دارد؟ ۵۶

مگر می‌شود کسی که خودش رئیس قوه قضائیه است، برای مبارزه با فساد بخواهد رئیس‌جمهور بشود؟ ۵۷

آقای رئیسی توسط شورای نگهبانی تایید می‌شود که نیمی از اعضا آن توسط خودشان انتخاب می‌شوند! ۶۰

چرا حاج آقای رئیسی از ریاست قوه استعفا ندادند؟ ۶۱

ماجرای اعدام‌های سال ۶۷ چیست؟ ۶۳



شبهه انتخابات

چرا رأی بدهیم؟ با این وضع مملکت چرا رأی بدهیم؟

با مخاطب ملی گرا و عموم مردم:

(۱) امنیت، دلیل ترور حاج قاسم و اعلام علنی آن این است که دشمن بعد از وقایع دی ماه ۹۸ حس کرد انسجام ملی از بین رفته لذا حس کرد می تواند به راحتی دست به اقدام علیه امنیت ملی ما بکند. اگر در انتخابات هم دشمن حس کند انسجام ملی وجود ندارد، دوباره برای امنیت کشور مشکل ایجاد می کند.

(۲) اگر رأی ندهیم، مشارکت پایین می آید و تحریم ها اضافه می شود. به صراحت دشمن علت تحریم ها را نارضایتی ملت نسبت به حکومت بیان کرده لذا با تحریم انتخابات، دشمن احساس پیروزی کرده و راه پیش گرفته خود را با قدرت بیشتری ادامه می دهد و تحریم ها قطعاً بیشتر می شود. (مثل قطعنامه ۱۹۲۹ بعد از فتنه ۸۸) - بعد اینکه ملت روی صحنه آمدند و ایران استقامت کرد و تندترین موضع ها را داشت در همان زمان آمریکا عقب نشینی کرد و اوپاما در مصر ایران را به عنوان قدرت جهانی قبول کرد.

مذهبی‌ها:

اولا: از نظر بیشتر علما و فقها رأی دادن واجب شرعی است و رأی ندادن در انتخابات و در نتیجه تضعیف نظام اسلامی را حرام می‌دانند.

دوما، شرکت در انتخابات فقط یک حق نیست بلکه یک وظیفه است.

سوما: رأی دادن باعث خشم و عصبانیت دشمن می‌شود و طبق آیه ۱۲۰ سوره توبه برای ما عمل صالح محاسبه می‌شود. «وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ» هیچ قدمی در جایی که کفار را خشمگین کند ننهند و هیچ دستبردی به دشمنان نرسانند جز آنکه در مقابل هر یک از این رنج و آلام عمل صالحی در نامه اعمالشان نوشته شود.

مخاطب عام:

۱) اگر رأی ندهیم شانس خود برای تغییر را از بین خواهیم برد، شرکت نکردن در انتخابات به این معنی است که من حق رأی خود را به دیگری داده‌ام تا شخص دیگری برای من و رئیس جمهور من تصمیم بگیرد.

شبهه
انتخابات

۲) ما برای منافع خودمان رأی می‌دهیم نه حکومت، مسکنی که امروز با ۵۰۰ میلیون هم نمی‌شود خرید هشت سال پیش با ۲۰ میلیون به راحتی قابل خرید و فروش بود لذا تغییر فرد منتخب در سیاست‌های اجرایی کشور تغییر ایجاد کرده و در نهایت تاثیر مستقیم آن بر زندگی مردم وارد می‌شود.

یا به تعبیر دیگر، من و شما پای صندوق رأی می‌رویم به کسی رأی می‌دهیم که متناسب نیازهای اقتصادی و قشری ما رفتار بکند...

و این انتخابی که خواهد شد در شرایط اقتصادی تو، به صورت مستقیم اثر خواهد گذاشت.

تو اگر شرکت نکردی طبقه دیگه‌ای می‌آید برای تو تصمیم می‌گیرد، طبقه‌ای که به دنبال تامین خوراک سگ و گربه‌ی خانگی‌اش است، پدر تو را که در صف روغن می‌ایستد درک نمی‌کند.

وقتی عوارض خروج از کشور زیاد شد سلبریتی‌ها اعتراض کردند، اما برای گرانی اعتراضی نداشتند! بعد همین‌ها تشویق می‌کنند به رأی ندادن و یا رأی دادن به طیف خاصی که منافع خودشان تامین بشود. سلبریتی که دغدغه‌اش گم شدن گربه و



سگ خانگی اش است قطعا درد ما را نمی فهمد و
براساس دغدغه‌ی خودش رأی می دهد و به جای
شما تصمیم می گیرد، آن موقع مثلا ارز دولتی به
غذای سگ تخصیص پیدا می کند (۸ میلیون دلار
ارز نیمایی) به جای کالاهای اساسی مورد نیاز
زندگی ما - حال اگر ما رأی ندهیم این ها به جای ما
براساس منافع خودشان تصمیم می گیرند.

وضع مملکت به انقلاب مربوط می شود یا
انتخاب؟

شبهه
انتخابات

به خاطر اعتراض به وضع موجود رأی نمی‌دهیم تا حکومت تنبیه شود.

تنبیه اگر منظور دولت قبلی است که او رفته است پس قرار است چه کسی را تنبیه کنیم؟ این کار در واقع تنبیه خودمان است. آیا در طول تاریخ صدای معترضان خاموش شنیده شده است؟

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که صدای معترضان خاموش، شنیده نمی‌شود. انتخابات زیادی در طول تاریخ و در کشورهای گوناگون وجود دارد که در آن‌ها اکثر مردم رأی ندادند. به عنوان معروف‌ترین مثال می‌شود به انتخابات سال ۱۹۹۶ آمریکا اشاره کرد. در انتخابات سال ۱۹۹۶ ایالات متحده، بیش از ۵۰ درصد از واجدین شرایط، در انتخابات شرکت نکردند. بیش از ۵۰ درصد افرادی که شرکت کردند نیز به بیل کلینتون رأی ندادند. به بیان دیگر، تنها ۲۴ درصد از واجدین شرایط امریکایی رئیس‌جمهور کشورشان را انتخاب کردند.

آیا فریاد سکوت مردمی که به پای صندوق‌های رأی نرفته بودند شنیده شد؟ آیا رأی مخالف ۷۶ درصد جمعیت آمریکا، از ورود کلینتون به کاخ سفید جلوگیری کرد؟ آیا بیل کلینتون کمتر از اوباما

رئیس‌جمهور بود؟

در انتخابات سال ۲۰۰۸ همین کشور، میزان مشارکت به بالاترین حد خود در طول چهار دهه رسید؛ انتخاباتی که اولین رئیس‌جمهور «سیاه‌پوست آمریکا» را به کاخ سفید رساند. سیاست‌مداران آمریکایی به وضوح این پیام را شنیدند.

حتی یک مثال، از یک کشور، در یک دوره وجود ندارد که رأی ندادن، بر یک چیز تأثیری مثبت گذاشته باشد.

شبهه
انتخابات

و اینکه عده‌ای می‌گویند رأی نمی‌دهیم تا یک نظام بهتر بیاید. اسم آن نظام بهتر چیست؟ دشمن‌تر از روح‌الله زم با جمهوری اسلامی را کم پیدا می‌کنیم. در مصاحبه‌اش می‌گوید من یک دوره‌ای ناامید شدم گفتم جمهوری اسلامی برای چه بیاید اما دیدم که غیر از جمهوری اسلامی چیز بهتری نمی‌تواند بیاید.

رای نمی‌دهم چون با رای دادن هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود!

من چند تا سوال می‌پرسم جوابش را عزیزان فکر
بکنند. یارانه بنزین به خودروها داده می‌شود یا به
مردم؟ خدمات درمانی به چه صورت تقویت بشود؟
با خصوصی شدن یا با دولتی بودن؟ دولت به بازار
مسکن وارد بشود یا بازار را رها کند؟ شرکت‌های
دولتی به طلبکارانش واگذار بشود یا افرادی که
اهلیت دارند؟ دولت به دنبال ورود به بازار کشورهای
دیگر باشد یا با رها کردن بازار، بازارش را در اختیار
کشورهای دیگر قرار بدهد؟ دولت به دنبال تامین
بودجه از طریق نفت باشد یا با رونق صادرات؟
دولت با اعطای حقوق نجومی به مدیرانش انگیزه
بدهد یا کار کردن مدیران را وظیفه خودش بداند؟

پاسخ تمام این سوالات بستگی مستقیم به رای
ما دارد. رئیس‌جمهوری که ما انتخاب می‌کنیم
پاسخ تمام این سوالات را مشخص می‌کند و دیدیم
که در سال‌های مختلف همین اتفاق افتاده است.
رای ندادن یعنی رها کردن سلامت یعنی رها کردن
پول یعنی رها کردن آموزش یعنی رها کردن امنیت
و به دست نیاوردن ذره‌ای فایده.

چرا اصلاً رأی بدهیم وقتی نظام خودش انتخاب می‌کند؟

اگر نظام خودش انتخاب می‌کرد آیا منطقی بود
عالی‌ترین مقام‌ها خودشان را چند بار در معرض
رأی مردم قرار دهند و با وجود رأی نیاوردن در یک
انتخابات، در انتخابات بعدی نیز ثبت نام کنند؟

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های سلامت انتخابات
رأی آوردن افراد در دولتی مخالف تفکرات خودشان
است مثلاً رأی آوردن احمدی نژاد در دولت خاتمی
و رأی آوردن روحانی در دولت احمدی نژاد؛ تاریخ
شاهد است که نظرسنجی‌ها و رسانه‌های داخلی و
حتی خارجی گزینه دیگری را تحت عنوان گزینه
انتخاب نظام معرفی می‌کردند اما در نهایت شخصی
کاملاً متفاوت و مخالف آن جریان رأی می‌آورد.
در ۷۶ می‌گفتند نظام، ناطق نوری را از صندوق
در می‌آورد اما در نهایت خاتمی رئیس‌جمهور
شد. در سال ۹۲ می‌گفتند نظام، جلیلی یا قالیباف
را از صندوق در می‌آورد اما در نهایت روحانی
رئیس‌جمهور شد این در حالی بود که روحانی تنها
۰.۷۱ درصد بیشتر از حد نصاب رأی آورد و اگر
خدای نکرده نظام اهل چنین کاری بود و یا اصولاً

شبهه
انتخابات

چنین کاری امکان داشت، باطل کردن ۰.۷۱ درصد آرا عدد بسیار کمی رأی را شامل می‌شد.

در سال ۹۲ مخالفان مدعی بودند: رأی نظام، جلیلی یا قالیباف است. اما روحانی رئیس‌جمهور شد در حالی که او تنها ۰.۷۱ درصد بیشتر از حد نصاب رأی آورد و اگر نظام اهل تقلب بود به راحتی و فقط با ابطال چند صندوق انتخابات را به دور دوم می‌کشاند اما از رأی مردم کوتاه نیامد.

اگر انتخاب نظام از ابتدا مشخص بود چرا رسانه‌های معاند شروع می‌کنند در حمایت از یک کاندید خاص هزینه می‌کنند؟ آیا آنها متوجه این مسئله نشدند که نظام خودش انتخاب می‌کند که این همه هزینه نکنند؟

در انتخابات قبل، دشمنان و شبکه‌های بیگانه به طور جدی به حمایت از کاندیدهای غربگرا پرداخته و از مردم می‌خواستند به آنها رأی دهند. مثلاً در سال ۸۸ حمایت خارجی‌های از میرحسین موسوی و یا در انتخابات اخیر پشتیبانی بی بی سی و ... از لیست امید و یا در انتخابات ۹۶ حمایت صبح انتخابات آمدنیوز و روح‌الله زم معدوم از روحانی و درخواست دادن رأی به آن، اگر نتیجه انتخابات از

قبل مشخص باشد آیا هیچ کدام از این سیاستمداران و غول‌های رسانه‌ای این موضوع را نمی‌دانند که وارد عرصه تبلیغ می‌شوند و وقت و آبرو و هزینه خود را خرج می‌کنند؟

فرآیند انتخابات در ایران به گونه‌ای است که امکان چنین کاری وجود ندارد. به عنوان مثال هر نامزد می‌تواند در پای هر صندوق رأی یک نماینده داشته باشد که از ابتدا تا انتهای رأی‌گیری و شمارش حضور داشته باشد و همچنین در مراحل جمع و ... در چنین شرایطی کوچک‌ترین تغییری به راحتی قابل تشخیص و پیگیری و اثبات است همچنین مجریان انتخابات عمدتاً معتمدین مردم و اقشار مختلف مردم هستند و از همین روی گروه‌های مختلف در این فرآیند شرکت داشته و ناظر یکدیگر می‌باشند.

شبهه
انتخابات

در طول این ۴۰ سال همه چیز نابود شده است اگر قرار بود با رأی دادن چیزی درست و اصلاح شود در این چهل سال وقتی مشارکت بالا بود اصلاح شده بود

درست است که در کشور مشکلات زیاد است اما این به آن معنا نیست که جمهوری اسلامی در این مدت، کاری انجام نداده است. دستاوردهای جمهوری اسلامی در بسیاری از حوزه‌ها فوق العاده بوده است.

البته فاصله میان آنچه باید باشیم و آنچه هستیم، زیاد است.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «فاصله میان بایدها و واقعیتهای وجدانهای آرمان خواه را عذاب داده و می‌دهد اما این فاصله طی شدنی است و در طول این ۴۰ سال در مواردی بارها و بارها طی شده است» یعنی یک جا قرار بوده باشیم و یک جا هستیم. این دو تا با هم فاصله دارد. در طول این ۴۰ سال در خیلی جاها ما این فاصله‌ها را طی کرده‌ایم.

ما ۴۰ سال پیش ناامن‌ترین کشور دنیا بودیم در سال ۶۰ تا ۶۳ ما ۱۷ هزار شهید ترور داشتیم الان

امن ترین کشور دنیا در ناامن ترین نقطه دنیا هستیم.

ما ۴۰ سال پیش سیم خاردار نمی توانستیم بگیریم
۳ کامیون برای ما از یوگوسلاوی سیم خاردار آورد
که پشت ادربایجان از شوروی رد بشوند در حالی که
شوروی آن را گرفت اما الان موشک های نقطه زن
ما دارد چکار می کند؟

فلسطینی ها با سنگ در حال جنگیدن بودند الان
می بینید که موشک ها دارند چکار می کنند.

در علم ما جزء ۵۰ کشور تولید علم دنیا نبودیم الان
پانزدهمین کشور در تولید علم دنیا هستیم.

ما اصلا جزء کشورهای نبودییم که ۱ درصد مقالات
پر استناد دارند الان ۳.۱ درصد مقالات پر استناد
برای ما است.

ما جزء ۳۰ کشور در ثبت اختراع نبودیم الان هفتمین
کشور دنیا در اختراع هستیم.

بیست سال پیش بیست گروه جهادی در بم حضور
پیدا کردند در زلزله اخیر ۲۵۲۰ گروه جهادی در صف
اعزام بودند که نوبت آنها نشد.

۴۰ سال پیش فقر ما ۴۶ درصد بود اما در ۸ سال
پیش ۸.۱ درصد رسید (که متاسفانه در این ۸ سال
افزایش پیدا کرد.)

امید به زندگی ما یعنی میانگین عمر افراد طبق گزارش WHO ۴۰ سال قبل از تمام کشورهای همسایه، شوروی و تمام کشورهای آمریکای جنوبی پایین تر بود اما الان از تمام این کشورها بالاتر هستیم.

در شاخصه توسعه انسانی یعنی HDI بالاترین رشد شاخصه توسعه انسانی را در این ۴۰ سال داشتیم.

در بحث برابری حق تحصیل دختر و پسر WEF یعنی انجمن جهانی اقتصاد می گوید ما رتبه یک دنیا در برابری حق تحصیل دختر و پسر هستیم.

در دوران شاه استالین چرچیل و روزورت به ایران می آیند بدون اینکه به شاه خبر بدهند اما نماینده ویژه ترامپ شینزو آبه ایران می آید رهبری حتی نامه‌ی او را نمی گیرد.^۱

کجا بودیم، کجا هستیم؟

این به آن معنا نیست که در کشور مشکلی نداریم اما فاصله بین باید‌ها و واقعیت‌ها در برخی از موارد طی شده است و اگر تفکری بیاید که قائل بر تولید داخل باشد مشکلات اقتصادی هم حل خواهد شد.

۱. جهت اطلاع بیشتر پیرامون دستاوردهای نظام به کتاب "صعود

۴۰ ساله" اثر سید محمد حسین راجی و سید محمد رضا خاتمی رجوع فرمایید

رأی دادن چه تأثیری در سرنوشت من رأی اولی دارد؟ در آینده من چه تأثیری دارد؟

سیستم کنکور و آزمون تیزهوشان و ورود شما به دانشگاه بهتر و مدرسه بهتر و در نتیجه استفاده از امکانات بیشتر و شغل بهتر فراهم کردن شرایط ازدواج و رفاه بیشتر و مثلاً برگزاری امتحانات به صورت حضوری هم مربوط به تصمیمات دولت است. و نحوه اجرای آن هم مستقیماً دست دولت است. همه بستگی به قانونی دارد که توسط دولت تعیین می‌شود، زیرا رئیس جمهور رئیس شورای عالی اشتغال و اقتصاد و آموزش و پرورش است و امور علمی کشور زیر نظر معاونت علمی ریاست جمهوری است، تعیین رشته‌های دانشگاهی، مقررات رفاهی دانشجویان، بودن یا نبودن کنکور و بعد از آن ارتباط دانشگاه و صنعت و صدها مورد دیگر که مستقیماً در سرنوشت شما تأثیر دارد به دولت مربوط می‌شود.

شبهه
انتخابات

باتوجه به اینکه دانش آموزان نسبت به گذشته از هوش سیاسی بالاتری برخوردار هستند چرا سن رأی هنوز ۱۸ سال است؟

این قانونی است که می شود توسط مجلس تغییر پیدا کند و نیازمند مطالبه عمومی است. ضمناً نقش شما فقط رأی دادن نیست و در فضای انتخاباتی می شود در گفت و گوها و آگاه سازی ها مشارکت داشت و اثر گذار بود.

حضور مردم در انتخابات و رای دادن به یک کاندیدا چه تأثیری می‌تواند در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور داشته باشد؟

پیشنهاد می‌شود برای یک لحظه به جواب این
سؤال‌ها فکر کنید:

- یارانه بنزین به خودروها داده شود یا به مردم؟
- تقویت خدمات درمانی با خصوصی شدن
صورت گیرد یا با دولتی بودن؟
- دولت به بازار مسکن وارد شود یا بازار را رها
کند؟
- شرکت‌های دولتی به طلبکارانش واگذار شود یا
به کسانی که اهلیت دارند، داده شود؟
- دولت به دنبال ورود در بازار کشورهای دیگر
است یا بازارش در اختیار کشورهای دیگر قرار
گرفته است؟
- دولت به دنبال تامین بودجه از طریق نفت است
یا رونق تولید در صادرات؟
- دولت به دنبال اعطای حقوق نجومی به

شبهه
انتخابات

مدیران برای ایجاد انگیزه بیشتر است یا کار کردن مدیران را وظیفه آن ها می داند؟

• دولت به دنبال حمایت از تولید کننده داخلی است یا با رقابت با کالای خارجی او را تنها می گذارد؟

پاسخ به هر کدام از این سوالات بر زندگی شخصی شما تاثیر گذاشته و زندگی شما را متحول می کند، قابل توجه است که اختیار تمام این موضوعات با رئیس جمهور است.

سیاست های دولت ها کاملاً متفاوت و گاه متضاد است و تاثیر سیاست دولت ها بسیار واضح خود را در زندگی مردم نشان می دهد به عنوان مثال به گزارش بانک جهانی آمار فقر از ابتدای انقلاب تا سال ۹۲ از ۴۲ درصد به ۸.۱ درصد رسید و متأسفانه با روی کار آمدن دولت یازدهم و بعد دوازدهم این عدد به شدت افزایش پیدا کرد که تاثیر رأی را کاملاً نشان می دهد.

چه تضمینی وجود دارد که با انتخاب رئیس جمهور بعدی وضعیت از این بدتر نشود؟

تضمین به لحاظ معنی کلمه تضمین قطعی مطلقا امکان پذیر نیست. در ایران با تغییر دولت سیاست داخلی و خارجی به شدت مورد تغییر قرار گرفته لذا مشخصا تغییرات چشمگیری با تغییر رئیس جمهور شکل خواهد گرفت. در واقع تضمین همان گذشته‌ی افراد در مسئولیت‌هایی که داشته‌اند می‌باشد (مثال‌هایی مثل تغییرات در قوه قضائیه).

برای حل این چالش می‌توانیم به تجربه‌ی دیگر کشورها مراجعه کنیم به عنوان نمونه کشورهایی که حل مشکلات اقتصادی خود را بر پایه نگاه به بیرون قرار دادند، هیچ‌گاه روی آسایش و سعادت را ندیدند و کشورهای پیشرفته دنیا با تکیه بر ظرفیت داخلی پیشرفت کردند مانند بریتانیا، آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، آلمان و ... پس چنین تضمینی وجود دارد که اگر رئیس جمهور تفکر نگاه به درون و رونق تولید را داشته باشد وضعیت اقتصادی کشور سامان می‌یابد.

شبهه
انتخابات

باتوجه به اوضاع کرونایی کشور چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟

تمام کشورها مثل آمریکا و فرانسه هم برگزار کردند؛ در همین دوران کرونایی مشارکت در انتخابات در آمریکا رکورد زد و در ۵۰ سال اخیر بی سابقه بود - ضمن اینکه تمهیدات اندیشیده شده است (تعداد صندوق‌ها بیشتر شده است - در فضای باز است با فاصله گذاری و ...).

چرا نظام، خود را به رفراندوم نمی‌گذارد؟

به این سوال می‌توان از دو منظر پاسخ داد

بر مبنای اسلامی و دینی :

اسلام هیچ گاه به ما چنین اجازه‌ای نداده که اسلام را به رای مردم بگذاریم

از منظر سکولار :

اولاً) هیچ کشوری حتی برای یکبار هم در دنیا چنین کاری نکرده با این وجود جمهوری اسلامی یکبار این کار را انجام داده، حتی سازمان ملل شورای امنیتی دارد که با زور به قدرت حق و تو رسیده و این مسئله کاملاً نفی دموکراسی است و یکبار هم بر این ساختار رفراندوم برگزار نشده است.

دوماً) امکان برگزاری نیست چرا که سیستم انتقال قدرت و قوانینش توسط چه کسی باید اجرا بشود، سیستمی که فاقد صلاحیت است ؟

سوماً) پیش زمینه فکری افراد اینگونه است که ناکارآمدی‌ها به نظام برمی‌گردد لذا رفراندوم ولی ناکارآمدی‌ها به دولت برمی‌گردد لذا انتخابات

مثال : ساختمانی را فرض کنید در حال ساخت نسل بعدی بیایید و بگویند ما این را قبول نداریم خراب کنید و از نو بسازد و این کار در نسل‌های بعدی هم تکرار شود، این ساختمان چه زمانی قرار است تکمیل شود و به یک ثباتی برسد؟

وظایف و اختیارات رئیس جمهور چیست؟ رهبری همه کاره است!

مثال‌هایی جهت تفهیم مسئله مثل اینکه شاگرد یک مکانیک و خیاط بشوید بعد از سه روز متوجه حوزه اختیارات خود می‌شوید بعد رئیس‌جمهور بعد از ۴ سال اختیارات خودش را نمی‌داند که مجدد کاندید می‌شود؟ و از آن مهم‌تر اکثر رؤسای جمهور بعد از هشت سال دوره ریاست جمهوری بعد از مدتی مجدداً کاندیدا می‌شوند به عنوان مثال حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی که دو دوره ریاست جمهوری را به عهده داشتند سال ۸۴ مجدداً کاندیدا شدند و یا آقای احمدی نژاد در سال ۹۶ و ۱۴۰۰ دوباره کاندیدا شدند.

تشریح و تمثیل

۱. اگر دولت‌ها هیچ کاره‌اند و اختیاری ندارند پس علت این همه اشتیاق سیاستمداران از گروه‌های مختلف برای ثبت نام و رئیس‌جمهور شدن چیست؟
۲. اگر دولت‌ها هیچ کاره‌اند و اختیاری ندارند چرا اینقدر افراد برای رئیس‌جمهور شدن خرج می‌کنند؟

۳. اگر دولت‌ها هیچ کاره‌اند و اختیاری ندارند چرا کاندیدهایی که سال‌ها سابقه مسئولیت دارند و کاملاً به شیوه مدیریت کشور آگاهند اینقدر وعده تغییر و اقدام می‌دهند؟

۴. بودجه کشور را دولت و در نتیجه رئیس جمهور تعیین می‌کنند. خوب است بدانید بودجه سال ۹۹ کشور تقریباً ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است یعنی ۱۹۸۸.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تومان، نحوه خرج کرد چنین رقم هنگفتی عموماً توسط رئیس جمهور ارائه می‌شود.

۵. علاوه بر تدوین لایحه بودجه، در طول سال نیز عملاً دولت تعیین می‌کند به کدام سازمان‌ها و ... بودجه واگذار شود و یا خیر. مثال: در حالی که صدا و سیما زیر نظر دولت نیست در طول سال‌ها برخی دولت‌ها از طریق قطع و یا اخلال در بودجه صدا و سیما عملاً صدا و سیما را وادار به تبعیت از خود کرده‌اند. از جمله نشانه‌های آن کنترل سنگین دولت بر برنامه‌های صدا و سیما در دوره برجام و یا قطع و تعطیلی و یا سانسور برخی برنامه‌های تلویزیونی نظیر سریال گاندو، زاویه و می‌باشد.

۶. انتخاب وزرا بر عهده رئیس جمهور می باشد که خود وزرا به نوبه خود دارای اثرگذاری فراوان می باشند مثال : انتخاب آقای زنگنه به وزارت نفت در دولت آقای روحانی سبب مفتوح شدن مجدد پرونده قرار داد کرسنت در دادگاه های بین المللی شد که در نهایت منجر به محکومیت نزدیک به ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی ایران شد. همچنین برآورد خسارت ناشی از تصمیم ایشان در حذف کارت سوخت حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان می باشد و در نهایت برگرداندن مجدد کارت های سوخت و سهمیه بندی و تغییر قیمت در سال ۱۳۹۸ منجر به ناآرامی و کشته شدن نزدیک به ۲۵۰ نفر از معترضین و نیروهای امنیتی شد. به عبارت دیگر انتخاب نامناسب یک وزیر به تنهایی ۴۵۰ هزار میلیارد تومان خسارت و ۲۵۰ کشته برجای گذاشت. این موضوع را در مورد وزرایی چون اطلاعات، اقتصاد، رئیس بانک مرکزی و ... هم ببینید.
۷. ۳۶ اصل از قانون اساسی میزان اختیارات بسیار زیاد رئیس جمهور را مشخص می کند.
۸. اختیارات رئیس جمهور تا بدانجاست که طبق

اصل ۱۴۷ قانون اساسی تجهیزات ارتش برای امور مختلف در اختیار دولت است. در این اصل آمده است: دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

۹. بسیاری از مراکز مهم تصمیم‌گیری توسط رئیس‌جمهور و منصوبین وی مدیریت می‌شوند. مثلاً ۲۸ شورای عالی به صورت مستقیم زیر نظر رئیس‌جمهور قرار دارد و ریاست این شوراها با شخص رئیس‌جمهور است یا به عنوان مثال: شورای عالی امنیت ملی که مسئول تصمیم‌گیری‌های حیاتی و امنیتی کشور نظیر سیاست خارجی، درگیری‌های امنیتی، اقدامات نظامی، تصمیماتی که ممکن است تبعات امنیتی داشته باشد و ... توسط رئیس‌جمهور و منصوبین وی کنترل می‌شود. اعضای این شورا رؤسای سه قوه، وزیران کشور اطلاعات و امور خارجه، رئیس سازمان برنامه و بودجه، نماینده رهبری و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هستند. ریاست این شورا و انتخاب دبیر

شبه
انتخابات

آن با رئیس جمهور است و ۵ عضو از ۹ عضو دارای حق رأی در این شورا از اعضای دولت و منصوبین رئیس جمهور هستند. این موضوع در مورد شوراهای عالی دیگر نیز صادق است مانند شورای عالی آب، شورای عالی بیمه، شورای عالی اقتصاد، شورای عالی اشتغال، شورای عالی فضایی، شورای عالی آموزش و پرورش و نیز ۱۳ شورای عالی دیگر نیز به صورت غیر مستقیم زیر نظر رئیس جمهور است.

۱۰. بر مبنای آن چه در بند بالا اشاره شد دولت‌ها عملاً سیاست خارجی کشور را کاملاً در اختیار خود می‌گیرند. مثال: دولت‌های مختلف با استفاده از ظرفیت‌های اشاره شده در طول زمان تغییرات شدیدی را سیاست خارجی ایجاد کرده‌اند: دولت آقای خاتمی: گفتگوی تمدن‌ها، نزدیکی به کشورهای غربی، تعطیلی صنعت هسته‌ای در مذاکرات سعدآباد و ... دولت آقای احمدی نژاد: شتاب دادن به صنعت هسته‌ای، موضع‌گیری در مقابل غربی‌ها نظیر هولوکاست، نزدیک شدن به کشورهای مستقل و غیر اروپایی نظیر ونزوئلا،

بولیوی، روسیه، چین و ... دولت آقای روحانی: برجام، نزدیکی به آمریکا، کمرنگ کردن ارتباطات با کشورهای مستقل، اجتناب از پاسخ‌های متقابل در مواردی نظیر ترورها و یا حمله به مواضع ایران به بهانه کاهش تنش و کمک به مذاکرات مثال: علیرغم اعلام صریح رهبری مبنی بر بدبینی به مذاکرات، مذاکرات را پیش بردند علیرغم تاکید ایشان بر شروط و توصیه‌هایی در مورد برجام، برجام بدون لحاظ آن موارد تدوین شد در حالی که رهبری اعلام کردند "اگر آمریکایی‌ها برجام را پاره کنند ما آن را آتش می‌زنیم" اما رئیس‌جمهور با بیان علنی اینکه "برخی فکر می‌کردند منقلی هست و می‌توانند قطعنامه‌ها را در آتش بیندازند!" در عمل مانع از برخورد قاطع ایران با نقض برجام شد.

چرا رهبری در حل و فصل مشکلات کشور ورود پیدا نمی‌کند و رئیس‌جمهور را عزل نمی‌کند؟

اختیار عزل رئیس‌جمهور با مجلس است و نه با رهبری

در جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور در صورت تخلف یا عدم توانایی از انجام وظایف قانونی خویش، به دو طریق از کار خود برکنار می‌شود:

۱. در صورتی که دو سوم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دهند و رهبری هم رأی آن‌ها را تصویب نماید. مطابق اصل ۸۹ (بند ۲) قانون اساسی پیرامون استیضاح و برکناری رئیس‌جمهور چنین بیان می‌دارد: «در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسایل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ

رئیس‌جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به
عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت
اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام
رهبری می‌رسد.»

۲. در صورتی که دیوان عالی کشور حکم به
تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی‌اش بدهد و
حکم مذکور مورد تصویب رهبری قرار گیرد.

شبهه
انتخابات

مگر وظیفه مجلس خبرگان این نیست که بر عملکرد رهبری نظارت کنند؟ پس چرا هیچ کاری نمی‌کنند؟

در خبرگان یک کمیسیون است به نام "کمیسیون تحقیق" که کارش تحقیق و تفحص از رهبری است.

آیت‌الله مجتهد شبستری که عضو این کمیسیون هستند می‌فرمایند:

بارها و بارها شد که برای ما سوال پیش آمده بود و رفتیم پیش رهبری و پرسیدیم و جواب گرفتیم. آیت‌الله اراکی می‌فرمایند:

هر شکایتی که از رهبری می‌شود این‌ها را ما جمع می‌کنیم و می‌رویم تحقیق و تفحص می‌کنیم و نهادهای زیر نظر رهبری را بررسی می‌کنیم و اگر پاسخ داده نشود از خود بیت سوال می‌کنیم و اگر پاسخ داده نشود می‌رویم پیش خود رهبری و از خود ایشان سوال می‌کنیم.

آیت‌الله یزدی می‌فرمودند:

که این کمیسیون تحقیق هر سال یا هر چند سال در اجلاس گزارش سوال‌هایی که از رهبری داشتند

را می‌گوید و گزارش عملکرد رهبری را می‌گوید
اما ما توقع نداشته باشیم که بیایند جلوی دوربین
بگویند ما این سوال‌ها را از رهبری پرسیده‌ایم.
پس کمیسیون‌ها کار خودشان را دارند انجام
می‌دهند.

شبهه
انتخابات

ریشه مشکلات چه چیزی است؟ چرا اینقدر مشکلات در کشور داریم؟ در تمام دوران‌های ۴۰ سال این مشکلات بوده...

مشکلات متعدد کنونی کشور از جمله: تورم، بیکاری، گرانی، فقر، کاهش ارزش پول و... که در سال‌های اخیر به واسطه‌ی تحریم شاهد آن بوده‌ایم، علائمی از بیماری مزمن «خام‌فروشی» و «ضعف تولید» است که از سالیان دراز، اقتصاد کشور به آن مبتلا بوده است. با مطالعه‌ی تاریخ درمی‌یابیم که مسئله کاهش ارزش پول ملی از گذشته‌ی دور در کشور ما وجود داشته است. برای مثال در دوران قاجار، به واسطه‌ی افزایش واردات کالای خارجی و در کنار آن بی‌توجهی به مسئله تولید، منجر به کاهش ۵۰ برابری ارزش پول ایران در برابر پوند انگلیس شد.^۱

۱. جهت اطلاع بیشتر به فصل ۲ کتاب "انتخابات، تکرار یا تغییر"

اثر سید محمد حسین راجی و پژوهشگران اندیشکده سعادت رجوع فرمایید

آیا رئیس‌جمهور آینده می‌تواند بدون اتکا به غرب اقتصاد را رونق دهد؟

برای پاسخ به این سوال به تجربه‌ی دیگر کشورها مراجعه کنیم به عنوان نمونه کشورهایی که حل مشکلات اقتصادی خود را بر پایه نگاه به بیرون قرار دادند، هیچ گاه روی آسایش و سعادت را ندیدند و کشورهای پیشرفته دنیا با تکیه بر ظرفیت داخلی پیشرفت کردند مانند بریتانیا، آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، آلمان و ... پس چنین تضمینی وجود دارد که اگر رئیس‌جمهور تفکر نگاه به درون و رونق تولید را داشته باشد وضعیت اقتصادی کشور سامان می‌یابد.

به عنوان مثال تجربه کره جنوبی:

کشور کره جنوبی اوضاع بسیار بدی از لحاظ اقتصادی داشت، بطوری که درآمد سرانه مردم کره در سال ۱۹۶۱ از کشورهای هائیتی، اتیوپی و یمن پایین‌تر بود و ۴۰ درصد مردم نیز از فقر مطلق رنج می‌بردند.

کره جنوبی کاملاً تحت سلطه آمریکا و برای گذران امور خود وابسته به کمک‌های مالی به ویژه کمک‌های آمریکا بود اما با روی کار آمدن

رئیس جمهوری به نام پارک اوضاع بسیار تغییر کرد. او برای پیشرفت کشورش، استراتژی اقتصاد متکی به درون از طریق نگاه به داخل و با شعار «دفاع خود اتکا اقتصاد خود کفا» را در پیش گرفت.

او مقابل سیاست‌ها و دخالت‌های آمریکا ایستاد تا جایی که آمریکا کمک‌های مالی خود به دولت کره را قطع کرد و عملاً تحریم‌ها را شروع کرد اما دولت پارک به جای اینکه بر لغو تحریم‌ها تمرکز کند، با نادیده گرفتن و دور زدن محدودیت‌های آمریکا، راه تمرکز بر تولید را در پیش گرفت و به رشد اقتصادی چشمگیری دست پیدا کرد.

رشد کره با تکیه بر توان داخلی باعث شد آمریکا پارک را ترور کند.

پیشرفت‌های اقتصادی کره و شرکت‌هایی مانند هیوندای، سامسونگ، ال جی، دوو و بسیاری از شرکت‌های مطرح کره‌ای که در حال حاضر جزو قدرت‌های اقتصادی دنیا هستند، ریشه در سیاست‌های حمایت از تولید داخلی توسط پارک دارد.^۱

۱. جهت اطلاع بیشتر به فصل ۳ کتاب "انتخابات، تکرار یا تغییر"

اثر سید محمد حسین راجی و پژوهشگران اندیشکده سعادت رجوع فرمایید

ملاک‌های فرد اصلح ؟

تفکیک قائل شویم بین قول و عمل – آنکه قول‌های خوب می‌دهد الزاما فرد اصلح نیست بلکه آنکه در سابقه‌ی خودش نشان داده به قول‌های خودش عمل می‌کند می‌تواند فردی اصلح باشد به شرط اینکه قول‌ها بر مبنای درست داده شده باشد، همه این‌ها کارهای بودند برویم سابقه و عملکردشان را بررسی کنیم.^۱

شبهه
انتخابات

۱. جهت اطلاع بیشتر پیرامون ۴۷ ویژگی کاندیدای اصلح به کتاب "سنگ محک" اثر سید محمد حسین راجی رجوع فرمایید

چرا شورای نگهبان در کشور وجود دارد؟ چرا اجازه داده نمی‌شود مردم مانند سایر کشورها هر کس را می‌خواهند انتخاب کنند؟

در اغلب کشورها، برگزاری انتخابات به عهده‌ی قوه‌ی مجریه است. به همین دلیل، بیم آن می‌رود که قوه‌ی مجریه در جریان برگزاری انتخابات اعمال نفوذ کند. برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده‌ی احتمالی قوه‌ی مجریه و صیانت از حق انتخاب مردم، وجود یک نهاد ناظر بی‌طرف برای کنترل و نظارت بر انتخابات، لازم و ضروری است و برای جلوگیری از رقابت ناسالم و هرگونه خدشه در آرای مردم در انتخابات، باید نهادهای بی‌طرف بر اجرای انتخابات، با دقت و امانت، نظارت کند و این نظارت از شروع ثبت نام تا اعلام نتایج تداوم داشته باشد.

در شورای شهر که شورای نگهبان در تایید صلاحیت‌ها نقشی ندارد می‌بینید که بسیاری از منتخبین در بازداشتگاه هستند و درگیر فساد مالی و اخلاقی شده‌اند.

شورای نگهبان فقط مخصوص ایران نیست و در دیگر کشورهای دنیا هم برای نظارت بر انتخابات

نهادهایی وجود دارد مانند:

۱. دادگاه قانون اساسی در کشورهای اتریش،
فیلیپین، بلغارستان، آلمان و...
۲. شورای قانون اساسی در فرانسه
۳. مجلس در کشورهای آمریکا، بلژیک، سوئیس
۴. وزارت کشور در انگلستان
۵. شورای عالی انتخابات در ترکیه^۱

شبهه
انتخابات

-
۱. جهت اطلاع بیشتر به کتاب " انتخابات، تکرار یا تغییر" اثر
سید محمدحسین راجی و پژوهشگران اندیشکده سعادت رجوع فرمایید

آیا ممکن است شورای نگهبان بخاطر مشارکت حداکثری در تأیید صلاحیت با اغماض رفتار کند؟

وظیفه شورای نگهبان عمل به مَرّ قانون است و
براساس ملاک‌های قانونی اهراز عمومی می‌کند
و کف را مشخص می‌کند نه حد اعلی و نمی‌تواند
براساس اختلاف نظرهارد صلاحیت کند.

چرا اعضای شورای نگهبان عمدتاً دچار کهولت سن و پیری هستند؟

اولاً چه کسی گفته اعضای این شورا همه کهنسال هستند؟ جوان ترین عضو آن زیر ۴۰ سال سن دارد. دوماً شورای نگهبان آن چیزهایی را که باید داشته باشند تجربه، دانش و قدرت تشخیص است. معمولاً انسان وقتی سنش بیشتر می شود تجربه و دانش و قدرت تشخیص اش بیشتر می شود. اما شورای نگهبان که یک نهاد اجرایی نیست که بخواهد جوان باشند.

اگر سن بالا بد است پس چرا در شورای قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۱۷ میانگین سن این افراد ۷۲ سال بوده؟ در صورتی که شورای نگهبان ما میانگین سنی شان کمتر از ۷۰ سال است.

شبهه
انتخابات

چرا تخلفات برخی کاندیداها رسانه‌ای نمی‌شود تا مردم این‌ها را بشناسند؟

تخلف تا زمانی که احراز نشده قابل اعلام عمومی نیست زیرا ممکن است که این تهمت باشد و دروغ بودنش به اثبات برسد. حال اگر اعلام شد و بعد خلافتش در دادگاه مشخص شد دیگر آبروی رفته به جوی بر نمی‌گردد. برای همین بگم بگویم تا زمانی که در دادگاه به اثبات نرسد بیان آن خلاف اخلاق و قانون بوده و جرم به حساب می‌آید.

چرا اجازه ثبت نام به همه افراد با ظواهر مختلف و بعضا خنده دار که باعث از بین بردن آبروی نظام است داده می شود؟

این مسئله به صورت قانونی حل شد با مصوبه
شورای نگهبان هرچند دولت و وزارت کشور
همچنان بر روال گذشته بدون توجه به قانون جدید
ثبت نام انجام دادند.

شبهه
انتخابات

موارد و دلایل رد صلاحیت کاندیداها را چه کسانی مشخص می‌کنند و آن موارد چیست؟

برخی از قانون اساسی استخراج می‌شود و برخی قوانین هم توسط مجلس شورای اسلامی تبیین می‌شود و مراجع مختلفی مثل وزارت اطلاعات، دادستانی کل کشور، سازمان ثبت احوال و نیروی انتظامی ایران مسئول بررسی و استعلامات مورد نیاز می‌باشند که شورای نگهبان براساس این استعلامات تصمیمات لازم را گرفته و افراد را احراز صلاحیت می‌کند و در انتخابات شورای شهر تایید صلاحیت بر عهده نمایندگان مجلس هر استان می‌باشد. ملاک‌ها و موارد تعیین کننده مصادیق رجل سیاسی و ... توسط مجلس تعیین و تصویب می‌شود - طبق آخرین مصوبات مجلس شورای نگهبان می‌تواند از مراجع دیگری چون سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، اطلاعات سپاه و ... نیز استعلامات مورد نیاز خود را انجام دهد.

چرا در ایران بر خلاف کشورهای غربی آزادی بیان وجود ندارد؟

در کشورهای مدعی آزادی هرگاه تاج و تخت خود را در خطر ببینند، معنای آزادی را عوض کرده و به بدترین صورت با مخالفان برخورد می‌کنند برای مثال در کشور ترکیه در سال ۲۰۱۶ کودتای نافرجامی اتفاق افتاد. دولت وقت ترکیه پس از کودتا، ۳۰ استاندار (از ۸۱ استان در کل)، ۲۷۴۵ قاضی و دادستان (توأم با ضبط دارایی نقدی، خانه و املاک ایشان به نفع دولت)، ۱۷۵۵ رئیس و معاون رئیس دانشگاه، ۴۹۲ نفر از کانون مذاهب، ۳۰۰ کارمند وزارت امور اجتماعی، ۲۷۵ کارمند دفتر ریاست جمهوری، ۲۵۴ کارمند وزارت ورزش و جوانان، ۱۸۴ کارمند وزارت اقتصاد، ۱۸۰ کارمند اطلاعاتی، ۲۱۷۰۰ معلم غیردولتی، ۱۵۲۰۰ معلم و کارمند وزارت فرهنگ، ۱۳۰۰ کارمند وزارت کار و ۹۰۰۰ کارمند وزارت داخله را اخراج کرد و تمامی آکادمیسین‌ها را تا اطلاع ثانوی ممنوع‌الخروج اعلام نمود. دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶، بیش از ۱۸۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرده که از این تعداد ۷۵۰۰ نفر ارتشی و ۱۴۰ نفر قاضی دیوان

شبه
انتخابات

عالی کشور هستند. در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۶ دولت حکم جلب و حبس ۴۲ روزنامه‌نگار معروف را صادر کرد. همچنین دولت ترکیه تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶ گذرنامه‌ی بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را باطل کرد تا نتوانند کشور را ترک کنند.

همچنین در ماجرای حمله به کنگره‌ی آمریکا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ شبکه‌ی سی.ان.ان گزارش داد: چند روز بعد از هجوم طرف‌داران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به کنگره، بعضی از عوامل خشونت‌ها در ساختمان «کاپیتول هیل» در حال شناسایی از سوی پلیس فدرال آمریکا هستند و تصاویر آنها در حال انتشار در شبکه‌های اجتماعی است و هم‌زمان با شناسایی این افراد در بحران روز چهارشنبه در کنگره، از کار خود اخراج شده یا در حال اخراج شدن و ترک مشاغل خود هستند.

مناسب است این برخورد را با برخورد جمهوری اسلامی با فتنه‌ی عظیم سال ۸۸ مقایسه کنیم. جمهوری اسلامی به پیروی از مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام که در جنگ جمل، یکی از سران فتنه را که در مقابل امام ایستاده بود، مورد عفو قرار دادند،



تنها اقدامی که برای سران فتنه در نظر گرفت، حصر خانگی بود. سعه‌ی صدر بی‌نظیر جمهوری اسلامی تا بدان‌جا پیش رفت که بسیاری از کسانی که در سال ۸۸ از فتنه حمایت کردند، چهار سال بعد مهم‌ترین پُست‌های حکومتی را در جمهوری اسلامی به دست گرفتند.

شبهه
انتخابات

چرا در ایران برخلاف کشورهای غربی، اقلیت‌های دینی آزادی ندارند؟

نمایندگان مجلس اقلیت‌ها

در ایران حدوداً به ازای هر ۲۸۰۰۰۰ نفر، یک نماینده در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. از طرف دیگر، اقلیت‌های دینی در ایران حدود ۰.۲ درصد، یعنی حدود ۱۶۰۰۰۰ نفر می‌باشند. یعنی به طور طبیعی اقلیت‌ها نباید حتی یک نماینده داشته باشند؛ در حالی که از ۲۹۰ نماینده مجلس، پنج نفر مربوط به اقلیت‌های دینی است. طبق اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده دارند. اقلیت‌ها نه تنها در مجلس حضور داشته، بلکه در جلسات غیرعلنی که سری‌ترین مباحث نظام مطرح می‌شود نیز حاضرند.

اما در آمریکا مسئله کاملاً متفاوت است. مسلمانان بیش از ۲ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند و یهودیان کمتر از ۲ درصد اما تعداد نمایندگان مسلمان در مجلس دو نفر است که

همان نیز به دلیل مخالفت سیاستمداران تندرو با حضور آنها در رأس ساختار سیاسی کشور، همواره با چالش‌های خاصی همراه بوده است؛ اما یهودیان که کمتر از مسلمانان جمعیت دارند ۳۸ نماینده در مجلس آمریکا دارند!

این مقایسه، گوشه‌ای از توجه جمهوری اسلامی به اقلیت‌ها در مقابل ظلم آمریکا را نشان می‌دهد.

مکان عبادی اقلیت‌ها

با مقایسه آمار کلیساهای ایران نسبت به مساجد مسلمانان در فرانسه، روشن می‌شود که مسیحیان ایران - به رغم تعداد بسیار اندکی که دارند - در مقابل جمعیت عظیم مسلمانان فرانسه، از اماکن مذهبی بسیار بیشتری برخوردارند. این تعداد از عبادتگاه‌های اقلیت‌ها نه تنها در مقایسه با مساجد مسلمانان در کشورهای دیگر، بلکه حتی در مقایسه با سرانه‌ی فضای عبادی مسلمانان در ایران هم شگفتی‌آور است، زیرا اقلیت‌های دینی، نزدیک به دو برابر مسلمانان به نسبت جمعیت، فضای عبادی دارند. مسیحیان بیش از ۲۵۰ کلیسا در سطح کشور در اختیار دارند و تقریباً به ازای جمعیتی کمتر از ۵۰۰ نفر، یک کلیسا برای آنان وجود دارد؛ در حالی که به

شبهه
انتخابات

ازای هر ۱۱۰۰ مسلمان یک زیارتگاه وجود دارد. اماکن مذهبی اقلیت‌ها هم‌چنین به طور پیوسته از سوی دولت و با هزینه‌ی عمومی ترمیم و بازسازی می‌شود؛ برای نمونه: کلیسای تاریخی «سنت هوانس» مراغه که قدمتی هشت‌صدساله دارد و تنها کلیسای جنوب استان آذربایجان شرقی است، توسط اداره‌ی میراث فرهنگی و گردشگری در حال بازسازی است.

در نقطه مقابل فرانسه که مهد آزادی نامگذاری شده است حدود ۸ میلیون جمعیت دارد که یک هشتم جمعیت فرانسه را شامل می‌شود در حالی که فقط ۸ مسجد جامع دارد و حدود ۱۰۰ مکان عبادی کوچک. یعنی به ازای هر ۸۰ هزار نفر یک مکان عبادی^۱

۱. جهت اطلاع بیشتر به کتاب " انتخابات، تکرار یا تغییر" اثر سیدمحمدحسین راجی و پژوهشگران اندیشکده سدهاء رجوع فرمایید

چرا بین محاکمه رئیس‌جمهور و مردم، تبعیض وجود دارد؟

تصمیم اشتباه گرفتن با جرم مرتکب شدن دو مسئله متفاوت است، و رئیس‌جمهور و هر مسئول دیگری به واسطه اینکه باید در جایگاه خودش قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد و نه‌راسد از تصمیم‌گیری باید یک سری مصونیت‌هایی در تصمیم‌گیری داشته باشد اما در رابطه با جرایم انجام شده هیچ تبعیضی وجود ندارد بین مسئولین و مردم که اگر آن جرم اثبات شود و مدرکی دال بر مجرم بودن وی یافت شود قطعاً مورد محاکمه قرار خواهد گرفت مثلاً اگر قتلی توسط رئیس‌جمهور صورت بگیرد محاکمه او با مردم تفاوتی ندارد.

شبهه
انتخابات

مگر می‌شود کسی که خودش رئیس قوه قضائیه است، برای مبارزه با فساد بخواهد رئیس جمهور بشود؟

مبارزه با فساد در قوه قضائیه حکم درمان را دارد و در دولت حکم پیشگیری و قطعاً پیشگیری بر درمان مقدم است.

قوه قضائیه وظیفه برخورد با فسادهایی را دارد که به دلیل کوتاهی‌ها و سوء مدیریت‌ها یا خیانت‌های مسئولین دولتی بوجود آمده است و مسلماً پیشگیری از فساد ایجاد شده در دولت به مراتب کم هزینه‌تر و نتیجه بخش‌تر خواهد بود.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل
چو بگذشت نتوان گرفتن به پیل

داستان: دو دوست در کنار رودخانه‌ای می‌رفتند. ناگاه فردی را دیدند که در آب افتاده و کمک می‌طلبد. یکی از دو دوست خود را به آب زد و نجاتش داد. هنوز نفس تازه نکرده بود که دومین فرد را دید که آب او را می‌برد.

باز به داخل رودخانه پرید و او را هم نجات داد. دقایقی نگذشت که سومین شخص را دید که درون

رودخانه فریادکشان کمک می‌خواهد هر چند خسته بود، اما نتوانست بی تفاوت باشد و باز هم خود را به آب زد و نجاتش داد.

دوستش با دیدن این صحنه‌ها به بالا دست رودخانه دوید و وقتی برگشت دوست دیگرش به او گفت که چندین نفر دیگر را هم نجات داده، ولی ساعتی است که دیگر رودخانه آدم نمی‌آورد.

دوستی که به بالای رودخانه رفته بود گفت: وقتی دیدم رود این همه آدم می‌آورد با خود گفتم حتماً علتی در بالا دست هست. چون بدانجا رفتم، پلی دیدم که دیوانه‌ای در میانش ایستاده و هر که از آن می‌گذرد را درون آب می‌اندازد.

دیوانه را گرفتم و به خانواده‌اش در روستای مجاور سپردم. علت این که ساعتی است رودخانه آدم نمی‌آورد همین است.

حکایت این روزهای هم همین است که باید بالادست رودخانه را که گلوگاه فساد است بست نه اینکه در قوه قضائیه فقط مفسدین را جمع کرد. در انتخابات بالادست رودخانه را به دست اهلش بسپارید که دوباره دیوانه‌ای زندگی مردم را به آب نسپارد.....

قوه مقننه می‌تواند جلوی مجرم شدن و فاسد شدن را بگیرد و پیشگیری از ایجاد جرم و فساد کند اما قوه قضائیه در واقع حکم درمان دارد و فقط مجرم را مجازات می‌تواند بکند.

آقای رئیسی توسط شورای نگهبانی تایید می‌شود که نیمی از اعضاء آن توسط خودشان انتخاب می‌شوند!

اولا آقای رئیسی در انتخابات سال ۹۶ توسط
شورای نگهبان تایید شدند که هنوز رییس قوه
قضاییه نبودند.

دوما از ۶ عضو حقوق دان شورای نگهبان، ۳ نفر
توسط آقای رئیسی انتخاب شدند.

سوما ۶ حقوقدان شورای نگهبان توسط رئیس
قوه قضائیه پیشنهاد می‌شوند تا در مجلس تایید
شوند. و این افراد در مجلسی که همه اصلاح طلب
یا اعتدالی بودند و رئیس آن هم آقای لاریجانی بود
تایید شده‌اند.

شبهه
انتخابات

چرا حاج آقای رئیسی از ریاست قوه استعفا ندادند؟

اولا استعفاء برای کاندیداتوری مربوط به انتخابات مجلس است. ماده ۲۹ قانون انتخابات بیان می‌کند کسی که می‌خواهد برای مجلس کاندیدا بشود ۶ ماه قبل باید از ۲۹ سمت استعفاء بدهد و نیز از ۱۲ سمت حوزه انتخاباتی. مثلا امام جمعه دائم یک شهر برای انتخابات مجلس باید استعفاء بدهد

اما برای انتخابات ریاست جمهوری اینگونه نیست. ماده ۳۷ قانون انتخابات می‌گوید آنهایی که مسئولیت مستقیم دارند مثل کسانی که در شورای نگهبان هستند باید استعفاء بدهند برای همین آقای رئیسی سال ۹۶ چون عضو هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات بود قبل از اینکه کاندیدا بشوند استعفاء دادند.

نکته بعدی این است که اگر رئیس قوه قضائیه باید استعفاء بدهد پس چرا رئیس جمهور استعفاء ندهد؟ رئیس جمهور که برای کاندیداتوری دولت چهار سال دوم خود می‌آید به انتخابات بیشتر مربوط است تا قوه قضائیه.

نکته بعدی این است که کی تابحال اتفاق افتاده است که کسی استعفاء داده است؟ سال ۶۸ آقای رفسنجانی رییس مجلس بودند و برای ریاست جمهوری کاندیدا شدند و هیچ مشکلی ایجاد نشد.

شبهه
انتخابات

ماجرای اعدام‌های سال ۶۷ چیست؟

مجاهدین خلق در سال ۶۰ و ۶۱ حدود ۱۷۰۰۰ نفر را ترور کردند از همه نوع اقشار از بچه خردسال تا پیرمرد و بدترین جنایات را مرتکب شدند، سر بچه را بریدند، پوست صورت را کردند، چاقو انداختند زبان کس دیگر را بریدند چشمها از حدقه در آوردند و...

در سال ۶۷ گروهی از جاهلین و نفوذی‌های دشمن سعی در تغییر و ایجاد اشتباه محاسباتی در مسئولین را داشتند. این عده تلاش می‌کردند تا افرادی که جزء منافقین بوده و در زندان هستند را آزاد کنند. آنها با بهانه‌های مختلف سعی می‌کردند نظر عموم مردم و همچنین مسئولین را برای این امر جلب کنند. آنها با بهانه‌های مختلفی از قبیل «هزینه نگهداری آنها در زندان‌ها بسیار بالاست» و یا «آن افراد از کرده‌های خود پشیمان هستند و لزومی ندارد جمهوری اسلامی آنها را از رأفت خود محروم نماید»، منافقین را مظلومین زمان می‌پنداشتند.

این جریان با حمایت آیت الله منتظری توانست

برخی از این زندانی‌ها را آزاد کند. این زندانیان بعد از آزادی بلافاصله به مجاهدین خلق پیوستند و در عملیات مرصاد یا همان فروغ جاویدان، علیه نظام جمهوری اسلامی شرکت کردند. نکته عجیب این است که ۲۷ درصد کشته‌شدگان منافقین در این عملیات، همان کسانی بودند که از زندان آزاد شده بودند؛ یعنی از بین ۱۳۰۴ کشته منافقین، ۳۶۰ نفر از زندان آزاد شده بودند که بیشتر آنها با وساطت آیت الله منتظری اتفاق افتاده بود. این ساده‌لوحی ارزان تمام نشد و همین افراد، شهادت جمع کثیری از بهترین نیروهای انقلاب را در عملیات مرصاد رقم زدند.

سال ۶۷ مسعود رجوی همزمان با عملیات فروغ جاویدان اعلام کرد که مجاهدین خلقی که داخل زندان‌ها هستند شورش کنند و از زندان‌ها فرار کنند و گفت امید ما به زندانیانی است که در زندان‌های جمهوری اسلامی هستند و تعدادی از آنها تونستند فرار کنند و عملیات فروغ جاویدان شکست خورد و موفق نشدند.

در آن زمان وزیر اطلاعات به امام نامه می‌زند که با این وضع شورش‌هایی که در زندان‌ها انجام دادند این‌ها

توبه نکردند و پای مجاهدین خلق هستند و خیلی از آنها در اعترافات گفته بودند اگر آزاد شویم دوباره به مجاهدین می پیوندیم و مردم را می کشیم. ایشان از امام پرسید تکلیف چیست؟

امام فرمودند: با توجه به اینکه منافقین نشان دادند با ما وارد جنگ مسلحانه می شوند و این افراد هم ارتکاب در قتل داشتند حکم تمام آنها اعدام است مگر اینکه توبه کنند حتی به صورت زبانی اما اگر توبه نکردند همزمان سه قاضی را مشخص کردند (در صورتیکه برای اعدام یک حکم قاضی کافی است) و اگر نظر مجموع آنها این بود که اعدام بشوند آن موقع به حکم اعدام عمل بشود. جمهوری اسلامی در مرداد ماه این افراد را اعدام می کند البته برخی از آنها به علت تعلل و ... اعدامشان به تعویق می افتد، در بهمن ماه سال ۶۷ امام به چند نفر که مشخص می کند نامه می دهند که یکی از آنها آقای رئیسی است و امام می فرمایند من تعجب می کنم که چرا تا الان این افراد را اعدام نکردید؟ و این افراد را اعدام کنید.

حال سوال اینجاست اگر این افراد اعدام نمی شدند چه می شد؟



در عراق زمانی که قرار بود صدام اعدام شود آنجا عده‌ای گفتند افرادی که عضو رسمی حزب بعث بودند و مردم ایران را کشتند و مردم عراق را کشتند، انتفاضه شعبانیه انجام دادند و الان هم اعلام کردند که پای حزب بعث هستند و حکم‌شان اعدام بود اما عده‌ای گفتند نباید آنها را اعدام کنیم و حکومت نباید بر پایه خون باشد. چه اتفاقی افتاد؟ داعشی شکل گرفت که تا توانستند مردم بی‌گناه را به فجیع‌ترین شکل‌ها کشتند.

شبهه
انتخابات

اگر امام آن موقع دستور اعدام را نمی‌داد ما الان در ایران داعش داشتیم و اعدام‌های سال ۶۷ یکی از بزرگترین افتخارات جمهوری اسلامی است که اجازه نداد ایران ایرانستان شود و داعش در ایران شکل بگیرد، هر چند ما در دهه ۶۰ داعش داشتیم زمانی که داعش مد نبود.



سُودا soada.ir
انديشكده
راهبردی soada_ir